

الملحق ١

پيوست ١

مجد الرب في سيناء

شكوه و جلال پروردگار در سيناء

في سفر الخروج الأصحاح ١٩:

«١ في الشهر الثالث بعد خروج بني إسرائيل من أرض مصر في ذلك اليوم جاءوا إلى برية سيناء.

٢ ارتحلوا من رفيديم وجاءوا إلى برية سيناء فنزلوا في البرية. هناك نزل إسرائيل مقابل الجبل

٣ وأما موسى فصعد إلى الله. فناداه الرب من الجبل قائلاً هكذا تقول لبيت يعقوب وتخبر بني إسرائيل.

٤ أنتم رأيتم ما صنعت بالمصريين. وأنا حملتكم على أجنحة النسور وجئت بكم إلي.

٥ فالآن إن سمعتم لصوتي وحفظتم عهدي تكونون لي خاصة من بين جميع الشعوب. فإن لي كل الأرض.

٦ وأنتم تكونون لي مملكة كهنة وأمة مقدسة. هذه هي الكلمات التي تكلم بها بني إسرائيل

- ٧ فجاء موسى ودعا شيوخ الشعب ووضع قدامهم كل هذه الكلمات التي أوصاه بها الرب.
- ٨ فأجاب جميع الشعب معاً وقالوا كل ما تكلم به الرب نفعل. فرد موسى كلام الشعب إلى الرب.
- ٩ فقال الرب لموسى ها أنا أت إليك في ظلام السحاب لكي يسمع الشعب حينما أتكلم معك فيؤمنوا بك أيضاً إلى الأبد. وأخبر موسى الرب بكلام الشعب.
- ١٠ فقال الرب لموسى اذهب إلى الشعب وقدسهم اليوم وغداً. وليغسلوا ثيابهم.
- ١١ ويكونوا مستعدين لليوم الثالث. لأنه في اليوم الثالث ينزل الرب أمام عيون جميع الشعب على جبل سيناء.
- ١٢ وتقيم للشعب حدوداً من كل ناحية قائلاً احترزوا من أن تصعدوا إلى الجبل أو تمسوا طرفه. كل من يمس الجبل يقتل قتلاً.
- ١٣ لا تمسه يد بل يرمم رجماً أو يرمى رمياً. بهيمة كان أم إنساناً لا يعيش. أما عند صوت البوق فهم يصعدون إلى الجبل.
- ١٤ فانحدر موسى من الجبل إلى الشعب وقدس الشعب وغسلوا ثيابهم.
- ١٥ وقال للشعب كونوا مستعدين لليوم الثالث. لا تقربوا امرأة.
- ١٦ وحدث في اليوم الثالث لما كان الصباح أنه صارت رعود وبروق وسحاب ثقيل على الجبل وصوت بوق شديد جداً. فارتعد كل الشعب الذي في المحلة.
- ١٧ وأخرج موسى الشعب من المحلة لملاقاة الله. فوقفوا في أسفل الجبل.
- ١٨ وكان جبل سيناء كله يدخن من أجل أن الرب نزل عليه بالنار. وصعد دخانه كدخان الآتون وارتجف كل الجبل جداً.
- ١٩ فكان صوت البوق يزداد اشتداداً جداً وموسى يتكلم والله يجيبه بصوت.
- ٢٠ ونزل الرب على جبل سيناء إلى رأس الجبل. ودعا الله موسى إلى رأس الجبل. فصعد موسى.
- ٢١ فقال الرب لموسى انحدر حذر الشعب لئلا يقتحموا إلى الرب لينظروا فيسقط منهم كثيرون.
- ٢٢ وليتقدس أيضاً الكهنة الذين يقتربون إلى الرب لئلا يبطش بهم الرب.

۲۳ فقال موسى للرب لا يقدر الشعب أن يصعد إلى جبل سيناء. لأنك أنت حذرتنا قائلاً أقم حدوداً للجبل وقدسها.

۲۴ فقال له الرب اذهب انحدر ثم اصعد أنت وهرون معك. وأما الكهنة والشعب فلا يقتحموا ليصعدوا إلى الرب لئلا يبطش بهم ۲۵...».

در سفر خروج اصحاح ۱۹ آمده است:

1) در ماه سوم بعد از بیرون آمدن بنی اسرائیل از سرزمین مصر، در همان روز به صحرای سینا آمدند.

2 و از رفیدیم کوچ کرده به صحرای سینا رسیدند و در بیابان اردو زدند و اسرائیل در آنجا در مقابل کوه فرود آمدند.

3 موسی نزد خدا بالا رفت و یهوه از میان کوه او را ندا داد و گفت: به خاندان یعقوب چنین بگو و بنی اسرائیل را خبر بده:

4 شما دیداید که من با مصریان چه کردم و چگونه شما را بر بال‌های عقاب برداشته و نزد خود آوردم.

5 و اکنون اگر صدای مرا بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قومها خواهید بود؛ زیرا تمامی جهان از آن من است.

6 و شما برای من، مملکت کاهنان و امت مقدس خواهید بود. این است آن سخنانی که باید به بنی اسرائیل گفته شود

7 پس موسی آمد و مشایخ قوم را فرا خواند و همه این توصیه‌هایی را که یهوه به او کرده بود بر ایشان القا کرد.

8 و تمامی قوم هم‌زمان در پاسخ گفتند: آنچه یهوه امر فرموده است انجام خواهیم داد. و موسی سخنان قوم را به یهوه عرضه داشت

9 یهوه به موسی گفت: اینک من در سایه ابر نزد تو می‌آیم تا هنگامی که با تو سخن می‌گویم قوم بشنوند و به تو نیز همیشه ایمان داشته باشند. پس موسی سخنان یهوه را با قوم باز گفت.

10 یهوه به موسی گفت: نزد قوم برو و ایشان را امروز و فردا تقدیس نما و ایشان لباس‌های خود را بشویند.

- 11 و در روز سوم مهیا باشید؛ زیرا در روز سوم یهوه در نظر تمامی قوم بر کوه سینا نازل خواهد شد.
- 12 و حدود برای قوم از هر طرف قرار بده و بگو: برحذر باشید از اینکه به فراز کوه برآیید یا دامنه آن را لمس کنید؛ زیرا هر که کوه را لمس کند هرآینه کشته خواهد شود.
- 13 دست بر آن گذارده نشود که در این صورت یا سنگسار شود یا بهتیر کشته شود و خواه بهایم باشد خواه انسان- زنده نماند. اما چون گُرنا نواخته شود ایشان به کوه برآیند.
- 14 موسی از کوه نزد قوم فرود آمده، قوم را تقدیس نمود و لباس‌های خود را شستند.
- 15 و به قوم گفت: در روز سوم حاضر باشید و به زنان نزدیکی نکنید.
- 16 و واقع شد در روز سوم به وقت طلوع صبح که رعد‌ها و برق‌ها و ابر غلیظ بر کوه پدید آمد و آواز گُرنا بسیار سخت به طوری که تمامی قوم که در لشکرگاه بودند لرزیدند.
- 17 و موسی قوم را برای ملاقات خدا از لشکرگاه بیرون آورد و در پایین کوه ایستادند.
- 18 و تمامی کوه سینا را دود فرو گرفت؛ زیرا یهوه در آتش بر آن نزول کرد و دودش مثل دود کورهای بالا می‌شد و تمامی کوه سخت متزلزل گردید.
- 19 و چون آواز گُرنا زیاده و زیاده سخت نواخته می‌شد موسی سخن گفت و خدا او را با زبان پاسخ داد.
- 20 و یهوه بر کوه سینا بر قلّه کوه نازل شد. یهوه موسی را به قلّه کوه خواند و موسی بالا رفت.
- 21 و یهوه به موسی گفت: پایین برو و قوم را قدغن کن، مبادا نزد یهوه برای نظرکردن از حد تجاوز نمایند که بسیاری از ایشان هلاک خواهند شد.
- 22 و گه‌نه نیز که نزد یهوه می‌آیند خویشان را تقدیس نمایند مبادا یهوه بر ایشان هجوم آورد.
- 23 موسی به یهوه گفت: قوم نمی‌توانند به فراز کوه سینا آیند؛ زیرا تو ما را قدغن کرده، گفته‌ای کوه را حدود قرار ده و آن را تقدیس نما.

24 يهوه وى را گفـت: پايين برو و تو و هارون همراحت برآييد؛ اما كهنه و قوم از حد تجاوز ننمايند تا نزد يهوه بالا بيايند مبادا بر ايشان هجوم آورد).

وأيضاً في سفر الخروج أصحاح ٢٤:

«١ قال لموسى اصعد إلى الرب أنت وهرون وناداب وابيهو وسبعون من شيوخ إسرائيل. واسجدوا من بعيد.

٢ ويقترب موسى وحده إلى الرب وهم لا يقتربون. وأما الشعب فلا يصعد معه.

٣ فجاء موسى وحدث الشعب بجميع أقوال الرب وجميع الأحكام. فأجاب

جميع الشعب بصوت واحد وقالوا كل الأقوال التي تكلم بها الرب نفعل.

٤ فكتب موسى جميع أقوال الرب. وبكر في الصباح وبنى مذبحاً في أسفل الجبل واثنى عشر عموداً لأسباط إسرائيل الاثني عشر.

٥ وأرسل فتيان بني إسرائيل فاصعدوا محرقات وذبحوا ذبائح سلامة للرب من الثيران.

٦ فأخذ موسى نصف الدم ووضعها في الطسوس. ونصف الدم رشه على المذبح.

٧ وأخذ كتاب العهد وقرأ في مسامع الشعب. فقالوا كل ما تكلم به الرب نفعل ونسمع له.

٨ وأخذ موسى الدم ورش على الشعب وقال هوذا دم العهد الذي قطعه الرب معكم على جميع هذه الأقوال

٩ ثم صعد موسى وهرون وناداب وابيهو وسبعون من شيوخ إسرائيل.

١٠ ورأوا إله إسرائيل وتحت رجليه شبه صنعة من العقيق الأزرق الشفاف وكذات السماء في النقاوة.

١١ ولكنه لم يمد يده إلى اشراف بني إسرائيل. فرأوا الله وأكلوا وشربوا

١٢ وقال الرب لموسى اصعد إليّ إلى الجبل وكن هناك. فأعطيك لوحى الحجارة والشريعة والوصية التي كتبتها لتعليمهم.

١٣ فقام موسى ويشوع خادمه. وصعد موسى إلى جبل الله.

۱۴ وأما الشيوخ فقال لهم اجلسوا لنا ههنا حتى نرجع إليكم. وهوذا هرون وحوور معكم. فمن كان صاحب دعوة فليتقدم إليهما.

۱۵ فصعد موسى إلى الجبل. فغطى السحاب الجبل.

۱۶ وحل مجد الرب على جبل سيناء وغطاه السحاب ستة أيام. وفي اليوم السابع دعي موسى من وسط السحاب.

۱۷ وكان منظر مجد الرب كمنار اكلية على رأس الجبل أمام عيون بني إسرائيل.

۱۸ ودخل موسى في وسط السحاب وصعد إلى الجبل. وكان موسى في الجبل أربعين يوماً وأربعين ليلة».

و نیز در سفر خروج - باب ۲۴ آمده است:

1) و به موسی گفت: نزد یهوه بالا بیا تو و هارون و ناداب و ابی‌هو و هفتاد نفر از مشایخ اسرائیل، و از دور سجده کنید.

2 و موسی تنها نزدیک یهوه بیاید و ایشان نزدیک نیایند و قوم همراه او بالا نیایند.

3 پس موسی آمده، همه سخنان یهوه و همه این احکام را به قوم باز گفت و تمامی قوم به یک زبان در پاسخ گفتند: همه سخنانی که یهوه گفته است بهجا خواهیم آورد.

4 و موسی تمامی سخنان یهوه را نوشت و بامدادان برخاسته، قربانگاهی در پای کوه و دوازده ستون موافق دوازده سبط اسرائیل بنا نهاد.

5 و بعضی از جوانان بنی‌اسرائیل را فرستاد و قربانی‌های سوختنی گذرانیدند و قربانی‌های سلامتی، از گاوها برای یهوه ذبح کردند.

6 و موسی نصف خون را گرفته، در لگنها ریخت و نصف خون را بر مذبح پاشید

7 و کتاب عهد را گرفته به سمع قوم خواند. پس گفتند: هر آنچه یهوه گفته است خواهیم کرد و گوش خواهیم گرفت.

8 و موسی خون را گرفت و بر قوم پاشیده، گفت: اینک خون آن عهدی که یهوه بر جمیع این سخنان با شما بسته است.

- 9 و موسی با هارون و ناداب و ابیهو و هفتاد نفر از مشایخ اسرائیل بالا رفت.
- 10 و خدای اسرائیل را دیدند و زیر پاهایش مثل صنعتی از یاقوت کبود شفاف و مانند ذات آسمان در صفا بود.
- 11 و بر آقایان بنی اسرائیل دست خود را نمی‌گذارد؛ پس خدا را دیدند و خوردند و آشامیدند.
- 12 و یهوه به موسی گفت: نزد من به کوه بالا بیا و آنجا باش تا لوح‌های سنگی و تورات و احکامی را که نوشته‌ام تا ایشان را تعلیم نمایی به تو بدهم.
- 13 پس موسی با خادم خود یوشع برخاست و موسی به کوه خدا بالا آمد.
- 14 و به مشایخ گفت: برای ما در اینجا توقف کنید تا نزد شما برگردیم. هارون و حور با شما هستند. پس هرکه کاری دارد نزد ایشان برود.
- 15 و چون موسی به فراز کوه برآمد ابر، کوه را فرو گرفت.
- 16 و شکوه و جلال یهوه بر کوه سینا قرار گرفت و شش روز ابر آن را پوشاند و روز هفتمین موسی را از میان ابر ندا در داد.
- 17 و منظر جلال یهوه مثل آتش سوزنده در نظر بنی اسرائیل بر قلّه کوه بود.
- 18 و موسی به میان ابر داخل شده به فراز کوه بر آمد؛ و موسی چهل روز و چهل شب در کوه ماند).

[خروج باب ۲۰]

ده فرمان

...

خروج باب ۲۱

حکم در مورد غلامان عبری

...

حکم در مورد برخوردهای شخصی

...

خروج باب ۲۲

دزدی و خیانت در امانت

...

حکم در مورد وظایف اجتماعی

...

خروج باب ۲۳

حکم عدالت و رحمت

...

حکم سبت

...

اعیاد

...

فرشته خدا

[...]

خروج باب ۲۴

[موسی احکام را بازگو می کند]